یادداشت روز

چند جمله حرف حساب درباره جنجال اینستاگرامی

یک دختر نوجوان در صفحه اینستاگرام، تصاویر رقصش را منتشر می‌کند. مسئول یا مسئولین مربوطه با طی مراحل قانونی، ایشان را احضار می‌کنند. تلویزیون مستندی با عنوان «بیراهه» پخش کرده و چند دقیقه‌ای از زمان نیم‌ساعته این مستند را هم به «ابراز پشیمانی» این خانم نوجوان که در حال گریه است، اختصاص می‌دهد. این تمام آن اتفاقی است که افتاده. نه قتلی صورت گرفته، نه تجاوزی رخ داده، نه کسی را به دار آویخته‌اند و نه به کسی سیلی زده و شکنجه‌اش کرده‌اند. فقط یک دختر گریه کرده و از روی ترس یا از ته دل گفته، از انتشار تصاویر رقص‌هایش پشیمان است.

اما این اتفاق، طی یکی دو روز گذشته تبدیل به «مهم‌ترین مسئله کشور» و حتی یکی از مسائل مهم دنیا! شده است. شاید باورش سخت باشد اما اکنون که در حال مطالعه این وجیزه‌اید، سی‌ان‌ان، آسوشیتدپرس، دیلی میل، بی‌بی‌سی، یورونیوز، تایم، ایندیپندنت، رادیو فردا، دویچه وله، کلمه و دهها رسانه خارجی دیگر در کنار تمام رسانه‌های مدعی اصلاحات (در فضای مجازی و کاغذی) در حال حمله به صدا و سیما، جمهوری اسلامی ایران و مسئولین کشورمان هستند. حتی، کنگره آمریکا وارد میدان شده و با اشاره به گریه این خانم نتیجه گرفته، باید ایران را تحریم کرد! انگار نه انگار همین حالا ۲۵۰۰ کودک (از چندماهه بگیر تا چندساله) در قفس‌های آهنین و جدا از والدینشان در آمریکا مثل حیوان نگهداری و شپش زده به خانواده‌هایشان بازگردانده می‌شوند.

سؤال؛ چرا این اتفاق «بد» اما «کوچک»، در میان مشکلات ریز و درشت کشور به ویژه در حوزه اقتصاد ناگهان این‌قدر «درشت» شد؟ آیا واقعا «نوع و اندازه واکنش‌ها با آنچه اتفاق افتاده» متناسب است؟ آیا این همه هجمه برای چنین موضوعی، «عادی» است؟ چرا چنین مسائلی در کشور ما این‌طور برجسته و تبدیل به مسئله یک کشور می‌شوند؟ و سؤال آخر اینکه، آیا اقدام صدا و سیما قابل دفاع است؟

با توجه به ماهیت «واکنش‌دهندگان»، پاسخ این سؤال‌ها متفاوت است. واکنش‌دهندگان را اگر به چهار گروه «کشورهای خارجی و دشمن»، «سلبریتی‌ها»، «مدعیان اصلاحات» و «قشر متدین جامعه» تقسیم کنیم، پاسخ‌ها نیز متفاوت خواهد بود.

تکلیف کشورهای خارجی و دشمن مشخص است. آنها از هیچ فرصتی برای ضربه زدن به جمهوری اسلامی ایران نمی‌گذرند. این دسته از واکنش‌دهندگان هیچ ابایی ندارند در یمن، غزه، عراق، سوریه و... زن و کودک و پیر و جوان را سلاخی کنند، مردم این کشورها را به موش‌های آزمایشگاهی برای آزمایش سلاح‌های غیرمتعارف خود تبدیل کنند، آل‌سعود، پدر جد تروریست‌های تکفیری را (که به صدها هزار زن و کودک تجاوز کردند و سرشان را از تن جدا کردند و زنده زنده در آتش سوزاندند) روی کرسی ریاست حقوق بشر سازمان ملل بنشانند، پرونده سیاهی در تجاوز به زنان حتی در راهروهای پارلمان داشته باشند(اعتراف‌های جرمی کوربین، رئیس حزب کارگر انگلیس)، میزبان قاتلان وحشی ۱۷ هزار شهید ایرانی باشند و همزمان مدعی شوند، از گریه کردن یک نوجوان ۱۷ ساله، وجدانشان به درد آمده است! تصورش را بکنید، کشوری خواستار تحریم ایران به خاطر گریه این دختر شده که رئیس‌جمهورش جزو زن‌ستیزترین و فاسدترین‌های دنیاست!

این دسته از «واکنش‌دهندگان» ممکن است همزمان نیم‌نگاهی هم به وضعیت اقتصادی و سیاسی کشورمان داشته باشند. به هر تقدیر مسئولین کشور در سه قوه حرکت دیرهنگام اما بسیار خوبی را برای برخورد با تروریست‌های اقتصادی و مفسدان و فتنه‌گران آغاز کرده‌اند که در صورت ادامه می‌تواند، بخشی از مشکلات را حل کند. شمار زیادی از متخلفان و فتنه‌گران اقتصادی دستگیر و در چنگال قانون گرفتار شده‌اند و علائم اولیه «اتحاد» بین مسئولین کشور برای عبور کردن از این شرایط سخت دیده می‌شود. برجسته کردن غیرعادی این گونه مسائل و جابه‌جا کردن اصل با فرع می‌تواند ضمن گرفتن انرژی و توان جامعه و مسئولین و ضربه زدن به این اتحاد، در ادامه روند مثبتی که آغاز شده، اختلال ایجاد کند تا در نتیجه به زعم آنها، تاثیر تحریم‌های ترامپ را که در راهند، بیشتر کند. در شرایط امروز، هیچ چیز مثل اتحاد و اولویت‌بندی مسائل، مهم نیست و هیچ چیز مثل رفتن به جاده فرعی، مضر نیست.

تکلیف سلبریتی‌ها هم معلوم است. همان‌طور که در ماجرای زلزله کرمانشاه هم دیدیم، عده‌ای از آنها (نه همه آنها)، عطش دیده شدن دارند، برخی‌شان تحت تاثیر جو هستند و همواره «جو گیرند»، برخی قدرت تحلیلشان همین قدر است و مهیای سواری دادن به دسته اول پاسخ‌دهندگانند. اما دور از انصاف خواهد بود اگر تمام این قشر را با یک چوب بزنیم. عده‌ای از این قشر ممکن است واقعا از روی دلسوزی موضع گرفته باشند... اللّٰه‌اعلم.

زنجیره‌ای‌ها اما اهداف «ویژه‌ای» را از این واکنش‌های «غیرعادی‌شان» دنبال می‌کنند. هرچه باشد، آنها متهمان ردیف اول به وجود آمدن شرایط اقتصادی امروزند. بخشی از آنها، همان اهداف دشمن را دنبال می‌کنند چون پادوهای آنها هستند. شاید اگر دولت نفوذی‌ها را از خود دور کرده بود، امروز گرفتار چنین وضعی نبود. به صفحات اول روزنامه‌های مدعی اصلاحات اگر نگاه کنید (حتی قبل از وقوع این حادثه) متوجه این خواهید شد که، هیچ حرف حسابی برای گفتن ندارند، جز برجسته‌سازی حواشی و جابه‌جایی اصل و فرع. هنوز خبر تکذیب شده لغو فلان کنسرت تیتر یکشان است! پیش از این هم گفته‌ایم، «حاشیه‌سازی» برای این قماش از نان شب هم واجب‌تر است. آنها باید پاسخگوی وضع موجود باشند لذا برای فرار از این پاسخگویی، حاشیه می‌سازند.

برجسته کردن غیرعادی یک رویداد در رسانه‌ها می‌تواند نقش نارنجک صوتی یا دودزا را ایفا کند. توقف روند برخورد با تروریست‌های اقتصادی می‌تواند هدف از این سروصدا و غبارآلود کردن فضا باشد. درست عکس آنچه مدعی‌اند و در تریبون‌هایشان فریاد می‌زنند، آنها نگران برخورد با مفسدان اقتصادی‌اند اما می‌گویند، چرا به جای برخورد با یک دختر نوجوان خام که اشتباه کوچکی مرتکب شده، با مفسدان دانه‌درشت اقتصادی برخورد نمی‌شود؟

اولا این قماش جزو همان‌هایی هستند که مفسدان بزرگ اقتصادی را که در دادگاه‌ها محاکمه شده و به زندان افتاده‌اند «استیو جابز» و «کارآفرین» جا می‌زدند. ثانیا چنین سروصدایی در بحبوحه بگیر و ببند مفسدان دانه‌درشت اقتصادی به راه می‌افتد! ثالثا، اینکه یک دستگاه مسئول مثلا نیروی انتظامی وظیفه خود را در برخورد با یک تخلف ولو کوچک درست انجام می‌دهد و دستگاه دیگر مثلا قوه قضائیه نه، پس نتیجه می‌گیریم که، با دستگاهی که وظیفه‌اش را به درستی انجام داده، نباید برخورد شود؟!

مخلص کلام اینکه، این قماش سابقه دادن گرای تحریم‌ها را هم در پرونده شرم‌آورشان دارند، همان اهدافی را از این «جابجایی اصل و فرع» دنبال می‌کنند که، گروه اول یعنی «دشمن» دنبال می‌کند.

واکنش قشر متدین و مردم به این حادثه اما کاملا از سر «دلسوزی» است. این قشر از جامعه حق دارند از وضعیتی که به خاطر بی‌در و پیکری شبکه‌های مجازی و اینترنتی بر سر جوانان و نوجوانانمان آمده ناراحت شوند و به صدا و سیما خرده بگیرند و از این بدسلیقگی، گله نمایند. صدا و سیما با آن عریضی و طویلی به قول رهبر انقلاب که خطاب به کارکنان قوه قضائیه فرمودند باید در حوزه رسانه «هنرمندانه» فعالیت کند، در این مستند، «غیرهنرمندانه» وارد شد و «بدسلیقگی کرد.» انتخاب آن قسمت از صحبت‌های دختر نوجوان که گریه‌کنان ابراز پشیمانی می‌کند برای مستند، دل هر انسانی را می‌رنجاند و همین حس گاهی، برای پیدا شدن سر و کله «کفتارهای سیاسی» که نه انسانیت سرشان می‌شود نه حقوق زن و دختر می‌فهمند کافی است. آنها مترصد فرصتند تا در جامعه «بحران‌آفرینی» کنند. صدا و سیما با این بدسلیقگی برای این کفتارها فقط خوراک تبلیغاتی مهیا کرد.

جعفر بلوری

آنگلا مرکل:

شرکت‌هایی که قصد ادامه همکاری با ایران را دارند باید ریسک این کار را خودشان تقبل کنند!

صدراعظم آلمان در اظهارنظری دوپهلو، از یکسو بر پایبندی کشورش به برجام تأکید کرد و از سوی دیگر اعلام کرد که شرکت‌هایی که قصد ادامه همکاری با ایران را پس از تحریم‌های آمریکا دارند، باید ریسک این کار را خودشان تقبل کنند!

آنگلا مرکل پس از دیدار با نخست‌وزیر چین اعلام کرد که برلین به توافق هسته‌ای ایران پایبند خواهد ماند.

مرکل در اظهارنظری دوپهلو، از یکسو بر پایبندی کشورش به برجام تأکید کرد و از سوی دیگر اعلام کرد که شرکت‌هایی که می‌خواهند خطر مواجه شدن با اقدامات تنبیهی آمریکا را به جان خریده و به همکاری تجاری با ایران ادامه دهند، خودشان باید تصمیم بگیرند که آیا حاضر به ریسک کردن هستند یا نه.

به گزارش تسنیم، وی در ادامه گفت:موارد بیشتری نیز هستند که باید با ایران بر سر آنها مذاکره کرد، ولی بهتر این است که طرف‌ها در توافق باقی بمانند.

لازم به ذکر است که در هفته‌های گذشته،«فدریکا موگرینی» مسئول سیاست خارجی اتحادیه اروپا در پاسخ به سؤالی درخصوص ارائه تضمین از سوی اروپا به ایران برای اجرای تعهدات برجامی گفت: «تضمین نمی‌دهیم».

«امانوئل ماکرون» رئیس‌جمهور فرانسه نیز چندی پیش گفته بود:«به خاطر مسئله ایران، علیه شرکت‌های آمریکایی جنگ تجاری یا راهبردی راه نخواهیم انداخت. این کار منطقی نیست. ثانیاً، شرکت‌های فرانسوی را به ماندن در ایران مجبور نخواهیم کرد».

«آنگلا مرکل» صدراعظم آلمان نیز در هفته‌های گذشته در حاشیه نشست غیررسمی سران اروپا در بلغارستان گفته بود: «اروپا می‌تواند از شرکت‌های کوچک و متوسط همکار با ایران حمایت کند، اما نباید این توهم را ایجاد کرد که می‌تواند تمام خسارات ناشی از تحریم‌ها را جبران کند».

علاوه‌بر این بعد از خروج آمریکا از برجام، شرکت‌های اروپایی بدون توجه به تعهدات خود برای خروج از ایران صف کشیدند.

در روزهای گذشته آقای روحانی صراحتا اعلام کرد که بسته پیشنهادی اروپا مایوس‌کننده است. اما متاسفانه دولت همچنان در پی استمرار رویکرد خسارت‌آفرین «اجرای توافق به هر قیمت» است.

واکنش چین

«هوا چانیینگ» سخنگوی وزارت امور خارجه چین در نشست خبری تأکید کرد کشورش «به هیچ وجه» تحریم‌های یکجانبه علیه ایران را نخواهد پذیرفت.

«چانیینگ» با یادآوری اینکه وزیر خارجه چین هم در نشست کمیسیون مشترک حاضر بوده تصریح کرد وی پنج پیشنهاد را درباره ادامه اجرای توافق هسته‌ای برجام مطرح کرده است.

وی گفت: با توجه به اوضاع خطیر و پیچیده، چین پنج پیشنهاد را به صورت صریح مطرح کرد. ما تأکید کردیم که مقررات بین‌المللی باید رعایت شوند، کشورهای مهم بایستی به مسئولیت‌هایشان عمل کنند، تحریم‌های یکجانبه به دلیل مضر بودن بایستی کنار گذاشته شوند، تمامی طرف‌ها بایستی به گفت‌وگو و مذاکره پایبند باقی بمانند و با نگاهی مسئولانه درباره نگرانی‌های دوجانبه بحث و تبادل نظر کنند.

تحریم شرکت ایرانی

وزارت خزانه‌داری آمریکا یک شرکت گردشگری ایرانی با نام «شرکت گردشگری و مسافرتی ماهان» را تحریم کرد.

آنطور که آمریکایی‌ها اعلام کرده‌اند، دفتر این شرکت در کوالالامپور قرار دارد و از این پس مشمول تحریم‌های ثانویه آمریکا خواهد شد.

وزارت خزانه‌داری پس از این اقدام، بیانیه‌ای صادر کرد و گفت که شرکت مزبور، از آنجا که به عنوان عامل فروش هواپیمایی ماهان کار می‌کرده، تحریم شده است؛ ماهان در پاییز سال ۱۳۹۰ وارد لیست تحریم‌های ثانویه شده بود.

اقدامات عملی

کمال خرازی رئیس‌شورای راهبردی روابط خارجی در محل اقامتگاه سفیر جمهوری اسلامی ایران در برلین، با «فیلس آنن» وزیر مشاور امور خارجی وزارت خارجه آلمان دیدار و گفت‌وگو کرد.

در این ملاقات که مدیرکل سیاسی وزارت امور خارجه نیز حضور داشت، مسائل مختلف منطقه‌ای و روابط دوجانبه از جمله موضوعات مربوط به سوریه و یمن، برجام و حمایت اروپا از این توافق هسته‌ای، فشارهای آمریکا به اروپا در مسائل مختلف و همچنین روابط دوجانبه بحث و بررسی شد.

خرازی در این دیدار گفت: اگر اروپا درخصوص برجام در مقابل آمریکا کوتاه بیاید، فشارهای بیشتری را از سوی آن کشور در سایر مسائل متحمل خواهد شد.

وی افزود: آنچه مهم است، تبدیل اراده سیاسی اروپا در حمایت از برجام، به اقدامات عملی در راستای اجرای برجام است، به‌طوری که منافع ایران از برجام تأمین شود، در غیراین صورت، چه دلیلی وجود دارد که ایران در برجام باقی بماند.

رئیس‌شورای راهبردی روابط خارجی تصریح کرد: ما براساس متن برجام این حق را داریم که در برابر نقض عهد دیگران، به‌خصوص اینک که آمریکا از این توافق هسته‌ای خارج شده است، به‌طور کامل یا بخشی از اجرای تعهدات خود را متوقف کنیم، ولی به اروپا این فرصت را داده‌ایم تا ببینیم اروپا چگونه می‌خواهد اراده خود را به عمل ترجمه کند.

کمال خرازی همچنین با «یوشکا فیشر» رئیس‌پیشین حزب سبزها و وزیر خارجه اسبق آلمان دیدار و گفت‌وگو کرد.

خرازی در این ملاقات اظهار داشت: تعهد ایران به برجام به راهبرد اروپا برای مقابله با تحریم‌های آمریکا بستگی دارد و در صورتی که خروج آمریکا باعث شود که ایران از این توافق نفعی نبرد، طبیعتاً باقی ماندن جمهوری اسلامی ایران در برجام بی‌فایده خواهد بود.

یوشکا فیشر هم گفت: اروپا علاقه‌مند است با ارائه بسته‌ای که بتواند با تحریم‌ها مقابله کند، ایران را در برجام نگهدارد.

گفت و شنود

نیت!

گفت: روزنامه سازندگی با تیتر درشت از ۶۴ میلیارد تومان رشوه برای واردات خودرو خبر داده است!

گفتم: ننوشته که واردکنندگان چه کسانی بوده‌اند و این مبلغ کلان رشوه را به چه کسانی داده‌اند؟!

گفت: ای عوام! خب این رشوه را به کسی داده‌اند که می‌توانسته مجوز واردات خودرو را صادر کند، به بقال سر کوچه که نداده‌اند!

گفتم: دولت که از خودشان است، اگر خبرشان حقیقت دارد چرا یقه خودشان را نمی‌گیرند؟!

گفت: اصلا از حزب سازندگی با آن سوابقی که دارد ادعای برخورد با مفاسد اقتصادی نوبر است!

گفتم: چه عرض کنم؟! یارو از آقایی خواست که برایش استخاره کند! به او گفت؛ بسیار خوب، نیت کن! طرف گفت؛ نیت را هم خودت بکن!

سفیر واشنگتن در برلین:

از دولت آلمان می‌خواهیم جلوی انتقال ۳۰۰ میلیون یورو به ایران را بگیرد

سفیر آمریکا در آلمان در گفت‌وگو با یکی از روزنامه‌های این کشور گفت که واشنگتن در بالاترین سطح از برلین می‌خواهد تا مانع از انتقال پول به ایران شود.

«ریچارد گرنل» سفیر آمریکا در آلمان از دولت این کشور خواست تا از انتقال مبلغ ۳۰۰ میلیون یورو به ایران جلوگیری کند.

این مقام آمریکایی که از زمان آغاز ماموریت در آلمان همواره خبرساز بوده و دولت آلمان از مداخله وی در مسایل مختلف انتقاد کرده است در مورد انتقال مبلغ یاد شده به ایران به روزنامه آلمانی «بیلد» گفت: ما در بالاترین سطح از دولت آلمان می‌خواهیم که ضمن مداخله در این زمینه، چنین اقدامی را متوقف کند. ما از گزارش‌هایی در زمینه اینکه ایران تلاش می‌کند تا صدها میلیون یورو را از بانک آلمانی به ایران منتقل کند، بسیار نگرانیم.

روزنامه بیلد آلمان اعلام کرد که دولت آلمان در حال بررسی درخواست ایران برای بازگرداندن ۳۰۰ میلیون یورو پول نقد از این کشور به تهران است.

در این گزارش ادعا شده است که تهران نگران آن است که با شروع تحریم‌های آمریکا، با مشکل کمبود پول نقد مواجه شود. این حجم پول نقد قرار است از بانک «ایران ـ اروپا» برداشت شود.

در بخش دیگری از گزارش بیلد آمده است که ایران به سازمان نظارت بر فعالیت‌های مالی آلمان اعلام کرده که این کشور به پول نقد موجود در حساب خود برای تأمین ارز سفرهای خارجی شهروندان ایرانی نیاز دارد چرا که ایرانی‌ها نمی‌توانند از کارت‌های اعتباری خود در خارج از کشور استفاده کنند.

به گزارش فارس، پایگاه آمریکایی «واشنگتن فری‌بیکن» هم به نقل از دیپلمات‌های آمریکایی و مقامات کنگره این کشور نوشت که مقامات ارشد دولت آمریکا به دنبال توقف روند انتقال بیش از ۳۵۰ میلیون دلار از وجوه متعلق به ایران از برلین به تهران هستند و تلاش می‌کنند جلوی صدور مجوز این انتقال توسط دولت آلمان را بگیرند.

خبر ویژه

تیم اقتصادی دولت اگر توانمند بود باید در ۵ سال گذشته خود را نشان می‌داد

کارشناسان اقتصادی حامی دولت می‌گویند «ناتوانی تیم اقتصادی دولت اظهر من الشمس است» و «تیم دولت، درس اقتصاد نخوانده‌اند».

محمدقلی یوسفی استاد دانشگاه علامه طباطبایی گفت: ناتوانی تیم اقتصادی دولت اظهر من الشمس است اگر این تیم توانمند بود در ۵ سال گذشته خود را نشان می‌داد.

محمدقلی یوسفی افزود: دولت مسئول سیاست‌های اقتصادی کشور است. نمی‌شود دولت در عرصه اقتصاد تصمیم‌گیر باشد ولی در بحران‌های اقتصادی عوامل نامرئی را تاثیرگذار بداند اگر این طور باشد فاتحه علم اقتصاد را باید خواند.

او اضافه کرد: تخصص پزشکان را زمانی باید سنجید که یک بیمار بدحال را درمان کنند وگرنه شخص سالم که پزشک نمی‌خواهد. در اقتصاد هم همین طور است.

تنها زمانی که اقتصاد دچار بحران و بن‌بست شده است عیار مردان اقتصادی مشخص می‌شود.

یوسفی محصول عملکرد ۵ ساله تیم اقتصادی دولت را گسترش فقر، بیکاری فزاینده و تشدید نابرابری دانست و گفت: دولت نمی‌تواند از زیربار این مسائل شانه خالی کند.

وی افزود: موفقیت سیاست‌های اقتصادی را هرگز نمی‌توان با معیارهایی چون نرخ تورم و رشد اقتصادی سنجید. استناد به تورم از اساس غلط است.

این استاد اقتصاد تصریح کرد: متاسفانه افراد کم‌سوادی که بعضا دارای مدارک دانشگاهی هم هستند تیم اقتصادی دولت را در دست گرفته‌اند.

این اشخاص در دو دهه گذشته همواره در مسئولیت‌های مختلف دولتی یا صاحب پست‌های کلیدی بوده‌اند یا عنوان مشاور را برعهده داشته‌اند.

یوسفی با بیان اینکه این افراد براساس منافع خود سیاست‌های اقتصادی را در کشور دنبال کرده‌اند گفت: سیاست‌های این اشخاص مطلوب آنهایی است که بخواهند از آب گل‌آلود ماهی بگیرند.

البته به نظرم دولت برای ویران کردن اقتصاد کشور بهترین نفرات را به کار گرفته است و هیچ‌کس مانند این افراد نمی‌توانست اقتصاد را به این حال و روز وخیم بیندازد.

همچنین محمدصادق جنان‌صفت در همین زمینه گفت: تیم اقتصادی دولت بهتر است تغییر کند چرا که هیچ کدام در رشته تحصیلی مرتبط با فعالیت خود درس نخوانده‌اند.

وی افزود: داستان تغییر و دگرگونی در تیم اقتصادی دولت روحانی از اواخر دولت یازدهم شروع شد و به ویژه وزیر اقتصاد، رئیس کل بانک مرکزی و رئیس سازمان برنامه و بودجه را در مرکز توجه خود قرار داد.

او ادامه داد: آقایان کرباسیان، سیف و نوبخت یک وجه مشترک دارند و آن اینکه هیچ کدام دانش‌آموخته اقتصاد نیستند بلکه آن را به طور تجربی یاد گرفته‌اند. مثلا کرباسیان مدیر اجرایی نیرومندی است اما دانش اقتصادی لازم را ندارد تا سیاست‌های اقتصادی موردنیاز را برپایه آن تدوین کند. البته خود ایشان هم به تازگی به این امر اعتراف کرد.

جنان‌صفت با بیان اینکه سیف هرچند سابقه بانکداری دارد ولی چون رشته‌اش حسابداری بوده است علم مورد نیاز برای ریاست بانک مرکزی را ندارد، تصریح کرد: کسی که در این سمت می‌نشیند باید دانش عظیمی در حوزه علم بانکداری داشته باشد. نوبخت هم به همین شکل. بنابراین ضرورت دارد این اشخاص در شرایط موجود جای خود را به نیروهای بهتری بسپرند.

او گفت: یکی از اقتصاددانان به نام «بهکیش» به تازگی از سیف نقل کرد که ایشان گفته من نمی‌دانم چه کار کنم؟! طبیعی است کسی که نمی‌داند چه کار باید بکند، بهتر است جای خود را به نیروی باانگیزه‌تری دهد. کرباسیان هم صریحا گفته که با علم اقتصاد آشنایی ندارد و به طور تجربی آن را فرا گرفته است.

اروپا هیچ کاره است اما کفه برجام سنگین‌تر شد(!)

یک حامی دو آتشه برجام، در روزنامه ایران نوشت «کفه برجام سنگین‌تر شد» اما همزمان در روزنامه سازندگی تصریح کرد «اروپایی‌ها می‌خواهند اما نمی‌توانند».

حسن بهشتی پور در روزنامه ایران و در یادداشت «کفه بقای برجام سنگین‌تر شد» می‌نویسد: براساس مواضعی که وزیر امور خارجه در پایان نشست مهم وین مطرح کرده، روند مذاکرات برای ایران امیدبخش بوده است. از مواضع موگرینی و بیانیه اتحادیه اروپا هم این گونه برمی‌آید که اروپایی‌ها هم - با وجود تردیدهایی که درباره توان آنها برای حفظ برجام بدون آمریکا وجود داشت - تلاش دارند با تدارک تمهیدات ویژه و از جمله آنچه در بند ۸ بیانیه دیروز آمد، این توانایی را به اثبات برسانند.

بنابراین آنچنان که محمد جواد ظریف گفت، اگر همین اراده سیاسی را که در مذاکرات بروز داده‌اند، در عمل به تعهدات خود نشان دهند، می‌توان گفت که کفه بقای برجام سنگین‌تر خواهد بود.

اما وی همزمان در یادداشت روزنامه سازندگی با عنوان «اروپایی‌ها می‌خواهند اما نمی‌توانند» می‌نویسد: «در شرایط فعلی اروپایی‌ها به طور جدی خواستار آن هستند تا در برجام بمانند. اما توان آن را ندارند. مقامات اروپایی نیز بر همین نکته تأکید کرده‌اند. یکی از دلایلی که مذاکرات ایران با سه کشور اروپایی در سال ۸۲ به نتیجه‌ای نرسید مخالفت‌های آمریکا بود. به همین دلیل نیز مذاکرات با آمریکا آغاز شد. واقعیت آن است که اروپا بدون آمریکا قادر به تأمین همه منافع ایران در برجام نخواهد بود اما در هر صورت ایران باید تلاش خود را انجام دهد و البته نباید از الغای برجام استقبال کرد. در حال حاضر دستگاه دیپلماسی ایران باید تمام تلاش خود را در مذاکره با اتحادیه اروپا و چین و روسیه انجام دهد تا اگر نتوانستیم با اروپایی‌ها به نتیجه دست یابیم که البته احتمال آن زیاد است»، استراتژی جدیدی را اتخاذ کنیم.

این توصیه در واقع تن دادن به وقت‌کشی جدید اروپا پس از فرصت‌سوزی ۵ سال گذشته در اعتماد به غرب است. متأسفانه به اعتبار همین رویکرد انفعالی و فاقد خط قرمز، غرب (اروپا و آمریکا) به این محاسبه رسیده‌اند که در صورت هر نوع تعلل و کارشکنی و نقض عهد، باز هم طیف شیدای برجام، اعتراض مؤثر و بازدارنده از خود بروز نخواهد داد.

آنالیز حواشی جام جهانی بی‌خیال سرنوشت برجام

نایب رئیس مجلس خواستار اقدام عاجل در مقابل افراد دوتابعیتی شد.

در حالی که این روزها دو چالش مهم اقتصادی و نقض آشکار برجام توسط غرب (وقت کشی اروپایی‌ها) تبدیل به مسئله مورد توجه افکار عمومی و رسانه‌ها شده علی مطهری نایب رئیس محترم مجلس، در اینستاگرام دست به قلم شده و به موضوع دوتابعیتی‌ها و بی‌عدالتی در جام جهانی فوتبال پرداخته است!

او می‌نویسد: «در میان تیم‌های شرکت‌کننده در جام جهانی فوتبال، تیم‌هایی را می‌بینیم که از بازیکنانی با ملیت دیگر استفاده می‌کنند به این بهانه که تابعیت آن کشور را دارند. این قضیه رقابت بین ملت‌ها را مخدوش و ناعادلانه کرده است. مثلاً تیم فرانسه که در آن تعداد قابل توجهی از ملیت‌های آفریقایی حضور دارند در واقع تیم ملی فرانسه نیست بلکه تیم فرانسه و مستعمرات آفریقایی سابق اوست.

این مطلب را با شدت کمتری می‌توان درباره تیم‌های آلمان و بلژیک نیز صادق دانست. این که چند غول آفریقایی را در داخل تیم ملی خود قرار می‌دهند نشانه ضعف فوتبال آن کشور است.

ضمناً این مطلب نشان می‌دهد که اگر کشورهای آفریقایی امکانات کشورهای اروپایی را داشتند قطعاً قهرمان جام جهانی می‌شدند.

فیفا باید این نقص و بی‌عدالتی را برطرف کند به طوری که تیم ملی هر کشوری فقط از همان ملیت تشکیل شده باشد و حتی شامل بازیکنان دو رگه نیز نباشد. تیم‌هایی مثل برزیل و آرژانتین واقعاً تیم ملی هستند. متأسفانه تیم ملی برزیل در اثر اشتباهات فردی یکی از بازیکنانش در حالی که استحقاق برد را داشت به تیم چند ملیتی بلژیک باخت و طرفداران فراوان خود در سراسر جهان را غمگین و جام جهانی را از بازی زیبا محروم کرد.»

این قبیل موضع‌گیری‌ها و وقت‌گذاشتن‌ها در حالی است که مردم به حق انتظار دارند نایب رئیس مجلس، اگر می‌خواهد به معضل دوتابعیتی‌ها بپردازد، ابتدا موضوع نفوذ دوتابعیتی‌ها در سیاست و اقتصاد و فرهنگ کشور را پیگیری کند. یا از دولتمردان درباره مشکلات اقتصادی در سوءتدبیرهای انجام شده توضیح خواسته شود؛ وگرنه بعید است فیفا معطل نظر آقای مطهری درباره تیم‌های ملی کشور و افراد دوتابعیتی باشد.

یادآور می‌شود حضور عناصر دوتابعیتی در تیم مذاکره‌کننده و برخی وزارتخانه‌های کلیدی، موجب خسارت‌های سنگین به مردم و نظام شده که جای پیگیری و بررسی دارد. نمونه این خسارت را می‌توان در ماجرای حضور دری اصفهانی به‌عنوان کارشناس ارشد مالکی و بانکی (تحریم) در تیم مذاکرات برجام مشاهده کرد که موجب باقی ماندن منافذ بزرگ در برجام شد و عجیب اینکه برخی نمایندگان سهل‌اندیش با گشاده‌دستی با این موضوع مواجه شده و ۲۰ دقیقه را هم برای بررسی برجام زیاد دانستند!!

تیم اقتصادی دولت زبان عذرخواهی بلد نیست؟!

یک عضو فراکسیون امید می‌گوید در کنار عذرخواهی دولت از مردم به خاطر نابسامانی اقتصادی، باید تیم اقتصادی دولت نیز تغییر کند

عبدالرضا هاشم‌زایی در گفت‌و گو با روزنامه آرمان و در پاسخ این سوال که این روزها، روزهای سختی برای کشور و ملت محسوب شده و «مشکلات اقتصادی فشار زیادی را بر توده ملت وارده می‌آورد، درخواست نمایندگان از دولت برای تغییر و ترمیم فوری کابینه تا چه اندازه می‌تواند مشکلات را برطرف سازد؟»، گفت: بارها خبر استعفا و یا عذرخواهی برخی از مسئولان کشورهای توسعه یافته در پی حوادث مختلف را دیده و شنیده‌ایم. به طور نمونه پس از مشکلاتی که برای یک بخش کوچک در کشور ژاپن پیش آمد، مسئولان رسما از مردم عذرخواهی کردند و یا پس از یک سانحه دریایی در کره‌جنوبی بلافاصله وزیر مربوطه به عنوان عذرخواهی استعفا داد. اما در کشور ما چنین فرهنگی متاسفانه وجود ندارد و به ندرت پیش می‌آید که یک مسئول در هر رده‌ای پاسخگوی مشکلات پیش آمده در حیطه خود باشد و ضمن عذرخواهی از مردم از کاری که در انجام آن ناتوان بوده کناره‌گیری کند. برخی از مسئولان گویا نمی‌خواهند قبول کنند که مردم در چه وضعیتی قرار دارند. قدرت خرید مردم این روزها به شدت کاهش پیدا کرده است. در واردات و صادرات با مشکل مواجه هستیم. رانت‌خواری و ویژه‌خواری بیداد می‌کند. مسئول این وضعیت چه کسی است غیر از تیم اقتصادی دولت؟ البته نمی‌گوییم که این تیم اقتصادی هیچ کاری نکرده است. قبول داریم که در کنترل نسبی تورم توفیقاتی داشته ولی شرایط اقتصادی فعلی را چگونه می‌خواهند پاسخگو باشند؟ به نظر من مسئولان اقتصادی باید به افکار عمومی احترام گذاشته و استعفا دهند و حتی عقیده بر این است که قبل از بازگشت رئیس جمهور از اروپا این کار را انجام دهند که این به نفع خودشان و به نفع کشور است.

وی در پاسخ این سوال که آیا با کنار رفتن این تیم اقتصادی می‌توان امیدوار بود که تیم اقتصادی جایگزین بتواند مشکلات را حل کند؟ می‌گوید: دور از ذهن نیست که تیم اقتصادی جایگزین هم براساس معیارهایی همچون دوستی، سفارش و یا روابط خاص انتخاب شوند، اما حداقل از نظر افکار عمومی و جو روانی جامعه می‌تواند تاثیر مثبت داشته باشد. البته ۲ سال قبل در نطق افتتاحیه مجلس یکی از تذکراتی که به دولت داده بودم همین تغییر تیم اقتصادی بود، اما اهمیتی داده نشد در حالی که رسیدگی به وضع اقتصادی کشور از مهم‌ترین وظایف دولت است. به نظر من تغییر در تیم اقتصادی دولت هم به نفع دولت است و هم به نفع ملت.

وی یادآور شد: بنابراین بار دیگر تاکید می‌کنم تغییرات در فروکش کردن التهابات جامعه و آرامش وضعیت اقتصادی کشور تاثیرگذار خواهد بود و باید به آن روی آوریم.

رسم نفاق جدید؛ زبان درازی پس از بی‌عرضگی

ادعای جلایی‌پور درباره بی‌اختیار بودن دولت، زیر سؤال بردن خود و هم‌طیفان خویش است.

روزنامه جوان ضمن نقد مقاله جلایی‌پور(از اعضای حزب منحله مشارکت) نوشت: حقد و کینه وی از دستگیری فرزند نتوانسته از قلم دور بماند این در حالی است که باید پاسخگوی توبه از گذشته انقلابی خود و راه برادران شهیدش باشد و بگوید پسرش در انگلستان چه مراوداتی داشته که دستگیر شده است؟

وی می‌نویسد «مشکل کشور، دولت روحانی یا سیاست‌های سیاستی در هیئت دولت نیست. مشکل سیاسی است و حل آن در دست هسته اصلی قدرت و در بیت است.» ادبیات مذکور هیچ تفاوتی با VOA و سخنان باستانی در لندن و سازگارا و کدیور ندارد. دوم اینکه جمع‌بندی اصلاح‌طلبان نسبت به عملکرد روحانی همین جمله جلایی‌پور است. جمع‌بندی آنان این است که «دولت روحانی منفعل و ضعیف است اما ما باید بگوییم اختیارات ندارد.» سوم اینکه مگر شما نمی‌دانستید هسته قدرت در جای دیگری است و «دولت موازی» وجود دارد؟ چرا به خودتان توهین و از شکل‌گیری دولت بی‌اختیار و فاقد اثرگذاری حمایت کردید؟ اگر آنچه را که می‌گویند مفروض می‌دارید، حمایت اصلاح‌طلبان از روحانی جز چپیدن در قدرت و خوردن و بردن چیزی نمی‌تواند باشد، چون به زعم آنان دولت فقط اختیار دارد حقوق بدهد و تمام.

ایشان چهار پایه حفظ حکومت را که به سبک کلاسیک در کتاب‌ها خوانده است برای حفظ قدرت ایران ذکر می‌کند که همه آنها منهای دولت است. جالب اینکه جناب بشیریه بعد از فتنه ۱۳۸۸ در مصاحبه با نشریه «لوگوس» همین چهار مورد را برشمرده‌اند. حال آنکه قدرت ایران از جهت اقتصادی در نفت و مالیات خلاصه شده است که در اختیار دولت است و اقتصاد ایران نیز در بعد خصوصی‌سازی به رده‌های مدیریتی مختلف دولت هاشمی واگذار شد که آقای جلایی‌پور با یک جو انصاف می‌تواند در پتروشیمی و صادرات و واردات افراد مدنظر را شناسایی و نسبت آنان با جریان متبوع خود را بازخوانی کند و نهادهای حاکمیتی-غیردولتی حداکثر ۵ درصد اقتصاد را در اختیار دارند. بعید است ایشان دنبال دیکتاتوری از طریق تسلط قوه مجریه بر قضائیه و نیروهای مسلح باشد و خواستار ادغام آنان باشد. اما شاید به عنوان یک استثنا قبول دارد.

وی به بنگاه‌های اقتصادی خارج از دولت می‌پردازد که به منظور ستاد اجرایی و بنیاد مستضعفان است. این دو مجموعه ضمن پرداخت مالیات هیچ هزینه‌ای از بودجه عمومی کشور مصرف نمی‌کنند اما خروجی آنان در توسعه مدارس، مساجد، درمان و دارو به اندازه چند وزارتخانه دولت مورد حمایت شماست. قرارگاه خاتم نیز طبق اعتراف صریح جهانگیری (در پاسخ زیباکلام)، «اگر دولت بخواهد به آن پروژه می‌دهد» که فعلا رایگان کار می‌کند و دولت متبوع شما پز افتتاح زحمات آنان را می‌دهد و همانند شما به موقعش فحش را نیز چاشنی آن می‌کند. همین افتتاح قرارگاه خاتم بود که دولت را از واردات بنزین در پساتحریم در ستاره خلیج‌فارس نجات داد و آب خرمشهر و آبادان را به سامان رساند که اگر اندکی تقوا، انصاف و آزادگی در وجودتان بود، تشکر می‌کردید که بی‌عرضگی دولت مورد حمایت شما چگونه جبران می‌شود؟

روزنامه جوان در پایان نوشت: قاعده این است که نخبگان درون نظام در سلامت و همراهی با آن قاعده‌مند عمل کنند و جاسوسی آنان یک استثنا باشد اما گویی نزد دوستان جناب جلایی‌پور جاسوسی یک قاعده شده است.

قاعده این است که اصلاح‌طلبان همراه نظام باشند و امثال اکبر گنجی و دیگر پناهندگان به دشمن استثنا باشند اما جلایی‌پور و پسرش تلاش می‌کنند اصلاح‌طلبان همراه نظام را به عنوان استثنا معرفی کنند.

سوال اساسی این است که جایگاه ایشان در مدل «قاعده»، «استثنا»ی نظام کجاست؟ قاعده این است که انقلابیون سیاست‌های کلی نظام را محترم می‌شمارند. قاعده اصلاح‌طلبان دراین‌باره چیست؟

کیهان و خوانندگان

۳۳۱۱۰۰۶۵ ساعت ۳ تا ۶ بعدازظهر
۳۳۹۱۶۵۴۶ تمام ساعات شبانه‌روز
سامانه پیام کوتاه ۳۰۰۰۲۳۲۳

* در حالی که سیستم مضحک پادشاهی در جهان رو به انقراض است، مردم هلند گرفتار این نوع حاکمیت‌اند. رفتار گستاخانه دولت هلند در اخراج دو دیپلمات کشورمان، نیاز به پاسخ قاطع از سوی دستگاه دیپلماسی دارد. احضار سفیر و اعتراض راه‌حل نیست، بلکه اخراج سفیر و کاهش روابط به حداقل می‌تواند پاسخی پشیمان‌کننده به سلسله رو به انقراض پادشاهی این کشور باشد!

نوربخش- مشهد مقدس

* وقتی وزارت امور خارجه توانایی دفاع از ۲ دیپلمات شاغل در سفارت جمهوری اسلامی در هلند را ندارد، چگونه می‌توانیم انتظار داشته باشیم برنده‌های ادعایی دولت از حقوق مردم ایران در برابر زیادخواهی اروپا دفاع کنند.

محمدتقی.ص

* وقتی خبر اخراج دیپلمات‌های ایرانی از هلند را از رسانه‌ها شنیدم بسیار متاثر شدم که چرا وزارت امورخارجه بعد از یک ماه از اخراج دیپلمات‌ها از هلند و بعد از افشای گستاخانه آن توسط دستگاه اطلاعاتی هلند اقدام به احضار سفیر هلند کردند؟! برخورد منفعلانه و البته دیرهنگام وزارت امور خارجه بیشتر از گذشته به پاسپورت ایرانی لطمه خواهد زد.

۰۹۱۹---۳۷۶۷

* بازرسی آژانس از دانشگاه علم و صنعت یک تجاوز آشکار به حریم دانشگاه و حتی دانشجویان بود، باید به ارزش‌های مکان علمی و دانشجویان احترام گذاشته شود. این رفتار آژانس و آنها که در داخل به آن چراغ سبز نشان دادند توهین به جامعه علمی کشور بود. باید مسبب انجام بی‌حرمتی به محیط علم و دانش به مردم معرفی شود.

۰۹۱۹---۰۹۸۷

* تقاضامندم که سران سه قوا نتیجه نشست‌هایی که برگزار می‌کنند را به صورت شفاف به مردم اطلاع دهند و در ضمن زمانی را که برای برنامه‌ها تعیین می‌کنند اعلام کنند تا مردم به صورت ملموس تغییرات را احساس کنند نه اینکه مدام خبر نشستی را بشنوند که نتیجه‌اش مشخص نیست.

رویگری

* در تلگرام طلایی، کانال بی‌بی‌سی و صدای آمریکا فیلتر شده است اما کانال دویچه‌وله آلمان و دیگر کانال‌های ترویج خشونت و اخلالگری در جامعه آزادانه به فعالیت تفرقه‌افکنانه مشغولند. یعنی کانال‌های ضدانقلاب را از یکدیگر تفکیک کرده‌اند در حالی که هدف همه آن کانال‌ها یکی است.

۰۹۰۲---۴۶۱۰

* داستان مذاکره امروز ما با اروپا بر سر برجام حکایت شریک دزدی است که رفیق قافله شده است. بی‌شک این رفیق نابکار با آن پیشینه که دارد هدفش به زانو درآوردن ایران در مقابل آمریکا به صورت گام به گام است.

۰۹۱۳---۹۵۲۷

* بعضی از افراد جریان مدعی اصلاح‌طلبی به حدی دچار انحراف شده‌اند که اگر آمریکا در جایی موفق بشود خوشحال می‌شوند و بر عکس اگر برای نظام و جبهه مقاومت پیروزی حاصل شود غم چهره آنان را می‌گیرد.

۰۹۱۱---۰۰۴۹

* همه مشکلات امروز در کشور بازمی‌گردد به ناشنوایی عده‌ای در قبال نصیحت رهبری که مردم آن را هم تکرار کردند و آن هم اینکه به غرب اعتماد نکنید و به اجرای اقتصاد مقاومتی تمرکز کنید.

۰۹۱۷---۱۹۴۲

* رهبری در جریان مذاکره با ۱+۵ گفته بودند به مذاکرات خوشبین نیستند اما دولت و حامیانش از کنار این هشدار گذشتند. حالا در مذاکره با اروپا هم رهبری هشدار داده‌اند اما همین طیف همچنان اصرار بر ادامه توافق «هیچ» هسته‌ای دارند، اگر اروپا نتوانست به تعهدات خود عمل کند آیا طیف حامی برجام حاضرند خسارت آن را به مردم بپردازند؟

۰۳۱---۰۸۸۳

* در روستاهای مشهد بعضا به علت نبود مشتری، پشم گوسفندها را دور می‌ریزند. پیشنهاد می‌کنم با راه‌اندازی کارگاه‌های خانگی ریسندگی، علاوه بر کارآفرینی از هدر دادن این کالای ارزشمند جلوگیری شود. البته اگر سیاست‌های واردات پوشاک و ارز ترجیحی و... اجازه بدهد.

۰۹۱۵---۲۹۸۶

* اتمام پروژه‌های مسکن مهر می‌تواند رونق خوبی به مناطق ساخت این پروژه‌ها بدهد و عدم اتمام این پروژه موجب وارد شدن زیان به سرمایه‌های مردم می‌شود که در آنجا هزینه شده است. با پایان هر واحد مسکن مهر و فراهم آوردن امکانات برای خانواده‌ها در این مناطق می‌توان از فشار اقتصادی بر اقشار کم‌درآمد جامعه کاست اما تعلل مسئولین جای سوال دارد که امیدوارم نمایندگان مجلس آن را به‌طور جدی پیگیری کنند.

عیوضی

* برق بسیاری از منازل در آستانه اشرفیه واقع در استان گیلان، بدون کنتور مصرف می‌شود و با توجه به هوای این منطقه کولرها در ساعات طولانی روشن هستند. بنده این موضوع را به اداره برق منطقه اطلاع دادم ولی بی‌حاصل بود. از کیهان می‌خواهم برای احقاق حقوق ملی در مصرف انرژی این مورد را به گوش مسئولان برساند.

۰۱۳---۱۳۵۷

* اگر خاموشی‌ها برنامه‌ریزی شده و منظم است چرا اداره برق تهرانسر از ساعت ۱۵ تا ۱۷ تاریخ ۹۷/۴/۱۶ طی سه بار اقدام به قطع و وصل برق این منطقه کرد؟!

۰۹۱۹---۶۸۵۸

* دستورالعمل جدید وزیر آموزش و پرورش در مورد ساماندهی نیروی انسانی در سال تحصیلی ۹۸-۹۷ اگر اجرایی شود بسیار مسئله‌ساز خواهد شد! کدام عقل سلیم می‌پذیرد مدرسه‌ای مثلا ۲۰۰ نفره یک معاون داشته باشد یا معاون پرورشی نداشته باشد؟! اگر بدلیل نبود اعتبار این کار صورت می‌گیرد، این صرفه‌جویی نیست بلکه تیشه به ریشه زدن است! صرفه‌جویی استفاده درست است نه مصرف نکردن! مسئولان دلسوز تعلیم و تربیت تدبیری نمایند.

۰۹۱۵---۵۲۵۵

* مکان مصلی از مناطق جنوبی و مرکزی تهران بسیار دور است و یکی دو ساعت به ظهر باید راه بیفتیم و وقتی هم به منزل می‌رسیم ساعت حدود ۴ عصر است! از نظر نور، صدا و تهویه نیز همچنان مشکلاتی دارد. فاصله پارکینگ‌ها تا شبستان هم بسیار دور است و باید کلی در زیر آفتاب پیاده‌روی کرد! مسئولان امر تدبیری نمایند.

۰۹۹۰---۵۰۹۸

پاسخ روابط عمومی شهرداری منطقه ۱۹

ضمن تشکر از درج مشکلات شهروندان محترم، بدینوسیله در پاسخ به مطلب مندرج در آن نشریه وزین مورخ ۹۷/۴/۱۲ (ستون ارتباطات مردمی) با موضوع درختکاری در بلوار شهید ورامینی به آگاهی می‌رساند: «جدول‌کشی واقع در بلوار شهید ورامینی محلی برای کاشت درخت ندارد، در ضمن اطراف بلوار شهید ورامینی و میادین ثارالله، باران، مادر و شهریار دارای فضای سبز می‌باشند و باغچه فاقد فضای سبز در این محدوده وجود ندارد.»

پاسخ روابط عمومی سازمان راهداری و حمل و نقل جاده‌ای وزارت راه و شهرسازی

در پاسخ به مطلب مندرج در روزنامه کیهان با عنوان «بهسازی محور قارلق بخش نوبران شهرستان ساوه»، به آگاهی می‌رساند مطابق بررسی‌های صورت گرفته در حال حاضر با اعتبار اختصاص‌یافته به مبلغ بیش از ۱۵ میلیارد ریال از محل منابع استانی اداره کل راهداری و حمل و نقل جاده‌ای استان مرکزی، عملیات لکه‌گیری و بهسازی روکش آسفالت در این محور در مرحله اجرا می‌باشد که امید می‌رود با اجرای عملیات یادشده، تردد هموطنان با سهولت و ایمنی بیشتری صورت پذیرد.»

درگذشت همکار

با نهایت تأسف باخبر شدیم همکارمان آقای شعبان اصغری نماینده کیهان در کوچصفهان گیلان به رحمت ایزدی پیوسته است. درگذشت این همکار عزیز را به خانواده آن مرحوم و بازماندگان تسلیت عرض نموده و از خداوند منان صبر و سلامتی را برای خانواده ایشان آرزو داریم.

***

همچنین مطلع شدیم همکارمان محمدرضا نیکی‌نژاد نماینده کیهان در صومعه‌سرا دار فانی را وداع گفته است. درگذشت ایشان را به خانواده معزا و بازماندگان آن مرحوم تسلیت عرض نموده و طول عمر و سلامتی برای خانواده آن مرحوم را از خداوند مسئلت داریم.